

## بررسی عمومی بودن زوجیت موجودات

### بر اساس آیات ۳ رعد و ۴۹ ذاریات

روح‌الله نجفی\*

#### چکیده

قرآن کریم در آیات متعددی از زوج بودن موجودات سخن گفته است، چنانکه آیه ۳ رعد مطابق دیدگاه مشهور، از زوج بودن تمام میوه‌ها و نیز آیه ۴۹ ذاریات از زوج بودن تمام اشیاء سخن می‌گوید. مقاله حاضر بیان می‌دارد که در آیه ۳ رعد، دو ترکیب نحوی متصور است و این آیه، مطابق نظر مشهور در باب ساختار نحوی این آیه، بر زوج بودن تمام میوه‌ها دلالت دارد اما بر اساس نظر غیرمشهور، مراد از دو قرین در این آیه، شب و روز است، از دیگر سو، بر پایه تعبیر «کُلُّ شَيْءٍ» در آیه ۴۹ ذاریات، ممکن است تصور شود که برای موجودات غیر زنده هم باید به دنبال نظام زوجیت گشت، در حالی که آنها، فاقد نر و ماده‌اند و ساختار دیگری از زوجیت هم ندارند که برای مخاطبان قرآن در دوره نزول، قابل درک باشد و ایشان را متذکر قدرت خدا گرداند، از این رو با عنایت به اینکه استفاده از واژه «کُلِّ» برای تأکید بر کثرت، امری شایع در ادبیات قرآن است، به نظر می‌رسد که مراد آیه ۴۹ ذاریات، تنها بیان کثرت و گستردگی پدیده زوجیت در میان موجودات زنده است.

#### واژگان کلیدی

آیه ۳ رعد، آیه ۴۹ ذاریات، تفسیر علمی، عمومی بودن زوجیت.

### طرح مسئله

آیات مرتبط با پدیده «زوجیت» در قرآن، کثرت قابل ملاحظه‌ای دارد و از مجموع آنها، تأکید بر عمومیت داشتن زوجیت فهمیده می‌شود. در این میان، آیه ۳ سوره رعد و آیه ۴۹ سوره ذاریات به نحو ویژه در خور تأمل است. از آیه سوم رعد «... وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ...» ممکن است چنین برداشت شود که پدیده زوجیت درباره همه میوه‌ها عمومیت دارد. در این راستا، این پرسش رخ می‌نماید که دو قرین بودن میوه‌ها را به چه‌سان باید فهمید و مصداق دقیق «زوجین» در این آیه چیست؟

از آیه ۴۹ ذاریات «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» نیز چنین برمی‌آید که خالق هستی، همه چیز را به‌صورت دو قرین آفریده است. هویداست که درباره عموم موجودات زنده، دو قرین، قابل تطبیق با دو جنس مذکر و مؤنث جلوه می‌کند و قانون کلی عالم حیات نیز، زوجیت (نر و ماده بودن موجودات) است، اما درباره موجودات غیر زنده، زوجیت را به چه‌سان می‌توان توضیح داد؟ و مراد از آن دو قرین چه می‌تواند باشد؟ مقاله حاضر، جهت پاسخ دادن به پرسش‌های فوق، ابتدا به‌معنایی واژه «زوج» و ملاحظه کاربردهای قرآنی آن پرداخته و سپس عمومیت‌یابی زوجیت درباره همه میوه‌ها و درباره همه موجودات را در فقراتی جداگانه بررسی می‌کند.

### معنای «زوج» و کاربردهای قرآنی آن

به گفته راغب اصفهانی «در حیوانات دارای جفت، بر هر یک از دو قرین - یعنی نر و ماده - واژه زوج اطلاق می‌شود. بر هر یک از دو قرین در آن حیوانات و در غیر آنها نیز - مثلاً در کفش و دمپایی - زوج گفته می‌شود. همچنین به هر چه که با دیگری قرین گردد - خواه از جهت مشابهت و خواه از جهت تضاد - زوج گفته می‌شود.» (راغب، ۱۴۲۶: ۲۲۱) گفتار راغب را می‌توان در بیان ذیل - از ابن‌سیده - خلاصه نمود: «الزوج الفردُ الذی له قرین؛ (زوج بر فردی اطلاق می‌شود که دارای قرین (= فردی دیگر که مرتبط با اوست) می‌باشد.» (ابن منظور، بی‌تا: ۲ / ۲۹۰) بدین‌سان «زوجان»؛ یعنی دو قرین و «أزواج» (جمع زوج)؛ یعنی افرادی که قرین هستند (خواه قرین با یکدیگر و خواه قرین با چیزهایی خارج از خود).

مفهوم یادشده (یعنی انفکاک فردی به همراه دارا بودن قرین) به‌مفهوم نوع، قسم و صنف بسیار نزدیک است؛ چون تعابیر مزبور، به‌وجود مجموعه‌ای مجزاً و منفکاً اشاره می‌کنند که در کنار آن، مجموعه یا مجموعه‌هایی دیگر هم موجودیت دارند، از این‌رو اهل لغت از «صنف و نوع» به‌عنوان معنای دیگری برای واژه زوج یاد کرده‌اند، به تعبیر ابن‌منظور «الزَّوْجُ الصَّنْفُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ؛ (زوج، صنف از هر چیزی است.» (همان، ۲ / ۲۹۳) هویداست که با تحلیل یادشده می‌توان این معنا را در معنای نخست ادغام نمود.

از ریشه «زوج» به صورت فعل پنج کاربرد قرآنی به چشم می‌خورد که همگی به معنای جفت نمودن و قرین ساختن دو چیز با یکدیگر است، اما واژه زوج - به صورت اسم مفرد - ۱۷ بار در قرآن به کار رفته است، از این موارد ۱۷ گانه، ۱۳ مورد آن به سهولت معنای قرین و همسر مرد را می‌پذیرد. چهار کاربرد دیگر عبارتند از: «... وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (حج / ۵)، «... وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (ق / ۷)، «... أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (شعراء / ۷) «... فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (لقمان / ۱۰)

عموم اهل فن، «زوج» را در این مواضع به معنای «نوع» دانسته‌اند. (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۲۲۱؛ طبرسی، ۱۳۸۸: ۴ / ۲۲۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۶ / ۲۴۰؛ معرفت، ۱۴۲۷: ۳۱۳) تعابیری چون «جنس» (بنگرید به: ابن جوزی، ۱۴۳۱: ۳ / ۲۲۴)، «صنف» (طبرسی، همان: ۹۳؛ شبّر، ۱۴۲۵: ۳۶۷) و «لون» «رنگ» (قرطبی، ۱۴۳۰: ۶ / ۱۹۵، ۶۲ / ۷) نیز در این باره به کار رفته که همگی به همان مفهوم «نوع» بر می‌گردند. بدین سان خدا در زمین از هر نوع بهیج (خرم و شادی‌آور) و کریم (نفیس و ارزشمند) گیاهانی رویانده است. بر این اساس، آیات چهارگانه فوق، اشاره به زوجیت (نر و ماده داشتن) گیاهان مزبور ندارند، اما ممکن است گفته شود که آیات یاد شده به زوجیت گیاهان سر برآورده از زمین نیز اشاره دارند؛ چرا که معنای اصلی «زوج» فرد دارای قرین است. بنابراین خدا در زمین از هر فرد دارای قرینی - که خرم و نفیس می‌باشد - رویانده است. افزون بر این واژه «زوج» می‌تواند به معنای «زوجان» نیز استعمال گردد، به گواهی این منظور (ابن منظور، بی‌تا: ۲ / ۲۹۰) «يقال هما زوجان للثنين وهما زوج». به گفته ابن‌درید (ابن‌درید، ۱۴۲۶: ۲ / ۱۴۹) نیز «کلّ اثنین زوج»، بر این اساس «من کلّ زوج بهیج» می‌تواند به «از هر دو قرینی که بهجت آورند» معنا گردد؛ یعنی از نر و ماده هر گیاه خرم و نفیس. مصطفی ملکیان در این باره بیان می‌دارد که «کسانی این آیه شریفه قرآن «من کلّ زوج بهیج» را به این معنا گرفته‌اند که هر یک از انواع موجودات زیستی، نر و ماده دارند؛ یعنی هیچ موجود زیستی اعم از حیوانات و نباتات وجود ندارند که نر و ماده نداشته باشند...» (ملکیان، ۱۳۷۳: ۶۶) اما هویداست که حتی در فرض معنا شدن «زوج» به دو قرین، آیات یادشده بر عمومیت نظام زوجیت برای همه موجودات زنده دلالت ندارند، زیرا موضوع سخن به‌وضوح در باب رویدنی‌های از زمین است، به علاوه، آیات مزبور حتی بر عمومیت نظام زوجیت برای همه گیاهان نیز تصریح ندارند؛ زیرا مدلول آیات آن است که «خداوند در زمین از هر رویدنی دارای نظام زوجیت، رویانده است» نه آنکه «هر چه در زمین روییده است، دارای نظام زوجیت است.»

واژه «زوج» به صورت «مثنی» نیز هفت کاربرد قرآنی دارد که در چهار مورد، مراد از «زوجین» به سهولت دو قرین نر و ماده است و در این موارد، چالشی دیده نمی‌شود، اما سه مورد دیگر، گفتگو برانگیز جلوه می‌کنند:

۱. «فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَأْكِهَةٍ زَوْجَانِ (الرحمن / ۵۲)؛ در آن دو باغ (بهشتی)، از هر میوه‌ای دو قرین وجود دارد». بسیاری از مفسران از جمله شوکانی (شوکانی، ۱۴۳۰: ۲ / ۹۳۳) و ابن جوزی (ابن جوزی، ۱۴۳۱: ۴ / ۲۱۳)، «زوجان» در این آیه را به دو «صنف» و «نوع» معنا کرده‌اند. ابن جوزی، بر وفق نظر اهل تفسیر، مراد از دو نوع را «تر» و «خشک» معرفی می‌کند. (همان) جزایری (جزایری، ۱۳۸۸: ۵ / ۱۶) و مراغی (مراغی، ۱۴۱۸: ۹ / ۳۹۲) نیز دو صنف را تر و خشک می‌دانند. آلوسی (آلوسی، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۱۱۶) ضمن ذکر این قول، از وجهی دیگر نیز یاد می‌کند، بدین‌سان که یک صنف، شناخته‌شده از قبل نزد بهشتیان است و دیگری غریب و ناشناخته بوده و در دنیا آن را نشناخته‌اند. زمخشری (زمخشری، ۱۴۲۹: ۴ / ۳۳۹) هم ضمن معنا کردن «زوجان» به دو صنف، در توضیح آن به ذکر گفتار دیگران اکتفا می‌ورزد که گفته‌اند دو صنف؛ یعنی صنفی معروف و شناخته‌شده و صنفی غریب و ناشناخته. طباطبایی (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۹ / ۱۱۴) ضمن یادکرد قول مزبور، متذکر می‌شود که در کلام دلالتی بر آن وجود ندارد.

به عقیده راقم این سطور، در توضیح آیه ۵۲ سوره الرحمن، نیازی به تعیین تفصیلی مراد قرآن وجود ندارد، بدین‌سان اجمالاً دو گونه میوه برای اهل بهشت موجود است اما قرآن بر آن است تا چستی این دو سنخ میوه در پرده ابهام باقی بماند تا کنجکاوای مخاطب و اشتیاق وی به بهشت بیشتر برانگیخته شود؛ به دیگر بیان، گاه برای بزرگ جلوه کردن یک نعمت، در ابهام نهادن آن نیکوست و پرده برداشتن از آن روا نیست.

۲. «... وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ ...» (رعد / ۳) و از هر سنخ میوه‌ای، در آن (زمین) دو قرین قرار داد».

بر اساس دیدگاه مشهور، از این آیه چنین برداشت می‌شود که پدیده زوجیت درباره همه میوه‌ها عمومیت دارد، از دیگر سو، زیست‌شناسان کنونی نیز به عمومیت داشتن نظام زوجیت در درختان میوه معترفند. نهایت آنکه در مورد پاره‌ای از میوه‌ها چون سیب، گل‌های نر و ماده بر روی یک درخت قرار دارند و در پاره‌ای دیگر چون خرما، درختان نر و ماده از یکدیگر جدا و متمایزند. در ادامه، عمومیت‌یابی زوجیت برای میوه‌ها را جداگانه بررسی خواهیم کرد.

۳. «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات / ۴۹) و از هر چیز دو قرین آفریدیم، باشد که متذکر گردید».

ظهور این آیه بر زوج بودن هر آنچه که خلق شده است، دلالت دارد. درباره عموم موجودات زنده می‌توان نر و ماده بودن را مصداق زوجیت دانست اما درباره موجودات غیر زنده این امر صدق نمی‌کند، از این‌رو در فقره‌ای جداگانه به تبیین دقیق‌تر مدلول این آیه خواهیم پرداخت.

افزون بر این، واژه «أزواج» جمع «زوج» ۵۱ کاربرد قرآنی دارد که از این میان، در ۳۹ موضع، می‌توان آن

را به سهولت به همسران مردان - که قرین ایشانند - معنا نمود. در دو موضع نیز «ازواج» به مجموع زنان و مردان که اقران یکدیگرند اطلاق شده است:

«وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا» (فاطر / ۱۱)

«وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا» (نبا / ۸)

ده موضع دیگر هم عبارتند از:

۱. «ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الصَّانِئَاتَيْنِ وَمِنَ الْمَعْرِائَتَيْنِ قُلْ أَلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ... وَمِنَ الْإِثْمَانَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ... (انعام / ۱۴۴ - ۱۴۳)، هشت فرد دارای قرین (بیافرید) از گوسفند دوتا و از بز دو تا ... بگو آیا نرهای آنها را حرام کرد یا ماده‌های آنها را؟ ... و از شتر دو تا و از گاو دو تا ...».

در آیات فوق، به قرینه «الذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنثَيَيْنِ» ازواج هشتگانه، نر و ماده‌های حیوانات چهارگانه نامبرده (گوسفند، بز، شتر و گاو) می‌باشند.

۲. «وَأَنْزَلْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ (زمر / ۶)؛ و برای شما از چهارپایان، هشت قرین بیافرید.» این آیه،

تکرار همان بیان سوره انعام است.

۳. «أَخْشَرُوا الْبَيْنَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ (صافات / ۲۲)؛ ظالمان و اقران ایشان و آنچه می‌پرستیدند را گرد آورید.»

به گفته راغب اصفهانی (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶: ۲۲۱)، معنای «ازواجهم» در این آیه «اقران ایشان» است که در اعمالشان به آنها اقتدا می‌کنند، به گفته زجاج نیز معنای آن، همانندان و مشابهان ایشان است؛ عرب می‌گوید نزد من از این (شیء) ازواجی است؛ یعنی همانندانی است. (ابن منظور، بی‌تا: ۲ / ۲۹۳)

۴. «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ (یس / ۳۶)؛ منزه است آنکه همه افراد دارای قرین را بیافرید؛ از آنچه زمین می‌رویاند و از خودشان (انسان‌ها) و از آنچه نمی‌دانند.»

تعبیر «خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا» گرچه بر گستردگی و شمول پدیده زوجیت دلالت دارد، اما زوجیت همه موجودات از آن قابل استنتاج نیست. درواقع، آیه مزبور گویای آن است که تمام افراد دارای قرین را خدا آفریده است نه آنکه هر چه خدا آفریده است، دارای قرین است.

۵. «وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا (زخرف / ۱۲)؛ و آن که همه افراد دارای قرین را بیافرید.»

۶. «... وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ سَبَّحْتَ (طه / ۵۳)؛ و از آسمان آبی فرو فرستاد و بدان انواعی از گیاهان گوناگون پدیدار کردیم.»

بسیاری از مفسران، «ازواج» در این آیه را به «انواع» یا «اصناف» معنا کرده‌اند. (بنگرید به: رازی، ۱۳۶۶:

۱۳ / ۱۵۶؛ رازی، بی تا: ۲۲ / ۶۹؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۳۳) در این فرض، آیه فوق دلالتی بر نر و ماده بودن گیاهان مختلف ندارد، اما به باور تفسیر نمونه «کلمه أزواجاً ... هم می‌تواند اشاره به اصناف و انواع گیاهان باشد و هم اشاره سر بسته‌ای به مسئله زوجیت (نر و ماده بودن) در عالم گیاهان.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۳ / ۲۲۴) به باور این قلم، با معنا کردن «ازواج» به افراد دارای قرین، مفهوم زوجیت (نر و ماده داشتن) گیاهان، قابل برداشت است گرچه زوجیت در عالم گیاهان و درختان، به سان زوجیت در عالم حیوانات نیست که هر درخت یا گیاهی لزوماً مذکر یا مونث باشد بلکه غالباً گل‌های نر و ماده هر دو بر یک درخت یا گیاه قرار دارند.

۷ و ۸. «لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ» (حجر / ۸۸؛ طه / ۱۳۱)؛ به آنچه که بدان اصنافی از ایشان را بهره مند ساخته‌ایم، چشمت را مدوز.»

در این آیه نیز می‌توان «ازواج» را به انواع و اصناف معنا کرد؛ یعنی تمتع از دنیا، شأن همه کفار نیست بلکه تنها اصنافی و گروه‌هایی از ایشان از آن بهره‌مند گشته‌اند. از دیگر سو، همان‌گونه که ابن عاشور (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۶۶) محتمل دانسته، می‌توان مراد از «ازواج» را کفار و همسران ایشان دانست، به عقیده مفسر ما، در این فرض توجه دادن به زوج بودن کفار از آن رو است که حالت بهره‌مندی دنیوی ایشان، به اتم احوال ترسیم گردد (همان) اما به باور این قلم، اختیار وجه نخست در این موضع راجح است و ذکر زوج بودن کافران در این سیاق، چندان وجیه جلوه نمی‌کند.

۹. «هَذَا فَلْيَذُقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ \* وَعَاخِرُ مِنْ شَكْلَةِ أَزْوَاجٍ (ص / ۵۸ - ۵۷)؛ این، آب جوش و چرکابه است، پس باید آن را بچشند و عذاب دیگر همانند آن و (دارای) اقسام و انواع است.»

«ازواج» در آیه فوق خبر برای «ءآخِر» است. (یعنی وَعَاخِرُ أَزْوَاجٍ) «ءآخِر» به شکل «أخِر» (جمع أُخْرِي) نیز قرائت شده است. (همان، ۲۳ / ۱۷۸) «ازواج» را در این موضع نیز باید به معنای اقسام و انواع دانست، به تعبیر منقول در لسان العرب «الوان و انواع من العذاب و الاصناف منه» (ابن منظور، بی تا: ۲ / ۲۹۳) هویدا است که هر صنف و قسمی از عذاب در کنار اصناف و اقسام دیگر قرار می‌گیرد و قرین آنها می‌گردد. در نتیجه معنای «نوع و صنف» مشابه همان معنای فرد دارای قرین است، از این رو سخن ابن عاشور مبنی بر آنکه در استعمال «زوج» به معنای نوع، دیگر قید «دوم بودن برای دیگری» ملحوظ نیست (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۶ / ۱۳۳)، قابل تأمل و تردید به نظر می‌رسد.

۱۰. «وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً (واقعه / ۷)؛ و شما اصنافی سه گانه باشید.»

در این موضع نیز «ازواج» را باید به معنای اقسام، انواع و اصناف دانست.

## عمومیت زوجیت در میوه‌ها

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ. (رعد / ۳)

و اوست آن که زمین را پهن کرد و در آن (کوه‌های) تثبیت شده و نهرها را نهاد و از هر سنخ میوه‌ای، در آن (زمین) دو قرین قرار داد. روز را به شب، می‌پوشاند. همانا در اینها، برای اهل فکر نشانه‌هایی است.

همانطور که ملاحظه شد آیه فوق، می‌تواند دال بر عمومیت داشتن زوجیت برای همه میوه‌ها انگاشته شود، با این همه، در خوانش متن این آیه، دو وجه محتمل است. بر وفق وجه نخست، «ومن كل الثمرات» معطوف به «أنهاراً» قلمداد می‌شود؛ یعنی «جعل فيها رواسي وانهاراً ومن كل الثمرات» در آن (زمین)، (کوه‌های) تثبیت شده و نهرها را نهاد و (نیز) از هر سنخ میوه‌ای «چنان که ابن عاشور (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۲ / ۱۴۱)، آیه را بدین سان خوانده و «من كل الثمرات» را معطوف به قبل، تلقی کرده است. بر وفق این خوانش، ادامه آیه چنین جلوه می‌کند: «جعل فيها زوجين اثنين يغشى الليل النهار؛ در آن (زمین) دو قرین قرار داد؛ روز را به شب، می‌پوشاند.» بدین سان، مراد از «زوجين اثنين» (دو قرین)، روز و شب است.

اما وجه دوم آن است که «من كل الثمرات» به ماقبل آن عطف نگردد بلکه متعلق به دومین فعل «جعل» فرض شود؛ یعنی «ومن كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين؛ از هر سنخ میوه‌ای، در آن (زمین)، دو قرین قرار داد» به تعبیر صریح‌تر «جعل فيها من كل الثمرات زوجين اثنين».

بدین سان، مراد از «زوجين اثنين» (دو قرین)، دو صنف میوه است. عموم اهل فن خوانش آیه را به شکل «ومن كل الثمرات جعل فيها زوجين اثنين» انگاشته‌اند. (بنگرید به: طبری، بی تا: ۱۳ / ۱۱۶؛ زمخشری ۱۴۲۹: ۲ / ۳۷۷؛ طوسی، ۱۴۳۱: ۶ / ۱۹۶؛ طبرسی، ۱۳۸۸: ۳ / ۳۳۶؛ ابن جوزی، ۱۴۳۱: ۲ / ۴۸۱؛ قرطبی، ۱۴۳۰: ۵ / ۱۸۴؛ نسفی ۱۳۹۰: ۴۷۱ - ۴۷۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۹: ۴ / ۱۸۵؛ شوکانی، ۱۴۳۰: ۱ / ۱۱۱۳؛ اهدلی، ۱۴۲۷: ۴ / ۳۱۴؛ شبّر، ۱۴۲۵: ۲۴۹؛ مراغی، ۱۴۱۸: ۵ / ۵۴؛ قاسمی، ۱۴۳۱: ۹ / ۴۲۸؛ سید قطب، ۱۳۹۱: ۵ / ۷۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۱ / ۲۹۳؛ صابونی، ۱۴۲۰: ۵ / ۲۲۹؛ منصوری، بی تا: ۳ / ۸)

آلوسی (آلوسی، ۱۴۲۰: ۱۳ / ۱۲۶) جایز می‌شمارد که «ومن كل الثمرات» متعلق به «جعل» نخست باشد اما حتی در این فرض نیز دومین فعل «جعل» را بیانگر چگونگی قرار دادن میوه‌ها در زمین می‌انگارد و قول به اینکه مراد از «زوجين» شب و روز باشند را بی‌اعتبار قلمداد می‌کند، به هر تقدیر، بر وفق خوانش مشهور، آیه ۳ رعد صریح است در اینکه همه میوه‌های موجود در زمین، دو قرین دارند، اما در توضیح این که

مراد از دو قرین چیست؟ اقوالی مختلف مطرح شده که مهم‌ترین آنها را می‌توان در سه دسته ذیل برشمرد:

۱. برخی چون شوکانی (شوکانی، ۱۳۳۰: ۱ / ۱۱۱۳) برآنند که هر نوع از انواع میوه‌ها بر دو صنف است: یا از نظر رنگ چون سفیدی و سیاهی و مانند آن یا از نظر طعم چون شیرین و ترش بودن و مانند آن یا از نظر اندازه چون کوچک و بزرگ بودن و مانند آن یا از نظر کیفیت چون گرم و سرد بودن و مانند آن، به‌همین سان نجم الدین نسفی (نسفی، ۱۳۹۰: ۴۷۱ - ۴۷۰) می‌گوید: «آن میوه‌ها را جفت جفت کرد: خشک و تر، خوردتر و کلان‌تر، ترش و شیرین و ساده و رنگین».

در مقام نقد باید گفت: متبادر از ظهور آیه ۳ رعد بر وفق خوانش مشهور، وجود دو سنخ کاملاً متمایز در هر نوعی از انواع میوه‌ها است، در حالی که اوصافی چون ترشی و شیرینی و ساده و رنگین بودن یا کوچک و بزرگ بودن، اوصافی کاملاً نسبی و فاقد تمایز قاطع هستند و چه‌بسا یک نوع میوه را بتوان بر پایه هر کدام از این اوصاف، به اصفافی متعدد تقسیم کرد، چنان‌که قید «مانند آن» در کلام شوکانی، سبب می‌گردد که از هر میوه‌ای، صرفاً دو صنف موجود نباشد بلکه اصفافی موجود باشند.

۲. به عقیده زمخشری (زمخشری، ۱۴۲۹: ۲ / ۳۷۷) مراد از «زوجین اثنین» آن است که خدا هنگام پهن ساختن و بسط دادن زمین، از هر میوه‌ای دو تا قرار داد و بعدها میوه‌ها تکثیر شدند و متنوع گشتند، اما هویداست که در عبارت «من کل الثمرات جعل فیها زوجین اثنین»، اشاره‌ای دیده نمی‌شود که این امر مربوط به آغاز پدیدار شدن میوه‌ها باشد بلکه ظاهر آن است که در زمان حال (زمان نزول آیه)، نیز چنین است.

۳. برخی نظیر مراغی (مراغی، ۱۴۱۸: ۵ / ۵۴) مراد از «زوجین اثنین» را آن می‌دانند که درختان و گیاهان، تنها با وجود سیستم نر و ماده است که می‌توانند میوه و دانه را پدید آورند. به همین سان، سید قطب (سید قطب، ۱۳۹۱: ۵ / ۷۱)، آیه ۳ رعد را بیانگر وجود نر و ماده در نباتات شمرده و آن را حقیقتی می‌شمارد که علم بشر اخیراً بدان واقف گشته است.

با این همه باید عنایت داشت که درباره خود میوه‌ها نمی‌توان از نر و ماده بودن سخن گفت گرچه همه میوه‌ها از نظام زوجیت موجود در درختان پدید می‌آیند. بدین سان با تسامح می‌توان بر آن شد که زوج بودن میوه‌ها در حقیقت به وجود سیستم زوجیت در درختان میوه اشاره دارد و مدلول آیه (یعنی عمومیت داشتن پدیده زوجیت درباره همه میوه‌ها) با واقعیت خارجی منافاتی نمی‌یابد، به‌علاوه، اگر مراد از «الثمرات» را به‌جای «میوه‌ها»، «گل‌ها» معرفی کنیم، در این صورت، می‌توان آیه را ناظر به گل‌های نر و ماده دانست. در آیات قرآن، واژه «الثمره» به هر دو معنا به کار رفته است، از باب نمونه، کاربرد «الثمره» به‌معنی «میوه» را می‌توان در آیات ذیل دید:

... وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُمُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا

أَتْمَرَوْا وَأَنْتُوا حَقَّةٌ يَوْمَ حَصَادِهِ. (انعام / ۱۴۱)

و خرما و کشتزار با خوردنی‌های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و غیر شبیه (پدید آورد). چون میوه داد، از میوه‌اش بخورید و حق آن را روز برداشتش بدهید. - وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ... لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ... (یس / ۳۵ - ۳۴) و در آن (زمین) باغ‌هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم تا از میوه آن بخورند.

با این همه، در آیه «تَمَّ كُلُّي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ... (نحل / ۶۹)؛ سپس از همه گل‌ها تغذیه کن!» که خطاب به زنبور عسل است، «الثَّمَرَاتِ» به معنای «گل‌ها»، استعمال شده است. در دانش جدید نیز بیان می‌دارند که زنبور عسل و پروانه‌ها و حشرات، از گلی به گلی پریده و از نوش گل و ذخائر قندی که در اعضای مختلف گل جمع شده، تغذیه می‌کنند. (پارسا، ۱۳۳۱: ۳۹۶ - ۳۹۵)؛ بدین سان «زنبورها، فراوان‌ترین و دائمی‌ترین، گرده افشان‌های گل‌ها هستند»؛ (ریون و جانسون، ۱۳۸۳: ۲ / ۷۹۲) یعنی گرده را از گلی به گل دیگر منتقل می‌کنند.

برخی صاحب‌نظران نظیر سید ابوالقاسم خوبی (خوبی، ۱۴۱۸: ۷۳) بیان قرآن در باب زوجیت گیاهان را در زمره اعجازهای علمی و اسرار کشف شده از ناحیه وحی الهی پنداشته‌اند. رشید رضا (رشید رضا، ۱۴۲۶: ۱ / ۱۷۶) نیز در تفسیر المنار در تبیین اعجاز علمی قرآن، به آیات دال بر زوجیت موجودات استشهد جسته است، اما دعوی مزبور در خور تأمل و درنگ است؛ زیرا دست‌کم دو جنسی بودن درختانی چون خرما و انجیر، پیش از ظهور اسلام مطرح بوده است، به گفته جورج سارتون - مورخ برجسته تاریخ علم -، «ثئوفراستوس» (م ۲۸۸ ق.م)، درباره بارور شدن درخت خرما توضیحی بیان نموده که ترجمه آن چنین است: «برای خرما بهتر آن است که نر را نزدیک ماده آورند ... روش کار از این قرار است: وقتی که خرما نر به گل نشست است خوشه گل آن را می‌برند و گل آن را با گردی که دارد روی خرما ماده می‌افشانند و چون چنین کنند درخت ماده میوه خود را نگاه می‌دارد و میوه‌ها نمی‌ریزد.» (سارتون، ۱۳۴۶: ۵۹۸) «ثئوفراستوس» از وجود سیستم زوجیت در مورد «انجیر» نیز سخن گفته است. (همان) به علاوه سارتون، در مورد بابلیان کهن هم محتمل می‌داند که ایشان نر و مادگی درخت خرما را می‌شناخته‌اند. محقق ماء، تصویر فرضی این کشف را چنین ترسیم می‌کند:

درخت خرما زیاد آب می‌نوشد ... هر وقت ذخیره آب محدود باشد لازم است عدد درختان کمتر شود ممکن است یک صاحب نخلستانی روزی به این فکر افتاده باشد که تمام درختان عقیم (یعنی درختان نر) را از نخلستان بکند و بیرون بریزد و اگر چنین کرده باشد پس از آن به آگاهی دردناکی راه یافته و از خرما محروم شده است. پس درختان عقیم لازم بوده و بدون آنها هیچ درخت دیگری نمی‌توانسته بار دهد. (همان: ۸۸)

خلاصه آنکه قدما به پدیده زوجیت در گیاهان اجمالاً واقف بوده‌اند گرچه محتمل است که در گذشته عمومیت داشتن قانون زوجیت در مورد همه میوه‌ها، ناشناخته مانده باشد.

### عمومیت زوجیت در همه آفریده‌ها

دیدیم که آیه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاریات / ۴۹) ممکن است مستند زوجیت همه موجودات قرار گیرد. بسیاری از صاحب‌نظران از عمومیت واژه «شیء» در آیه یادشده، چنین برداشت کرده‌اند که نظام زوجیت محدود به موجودات زنده نیست، بلکه به اشیاء جامد هم تسری می‌یابد. (نک: حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۸۳؛ بیضون، ۱۴۲۴: ۱۸۹)

لیب بیضون - از موافقان این دیدگاه - مراد از زوج بودن اشیاء جامد را پروتون و الکترون موجود در هر اتم می‌داند. (همان) تفسیر نمونه نیز از حمل «زوجین» بر الکترون و پروتون موجود در هر اتم سخن گفته است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۲۲ / ۳۷۶) اما تعبیر «لعلکم تذکرون» در پایان آیه ۴۹ ذاریات، گویای آن است که یادآوری زوجیت در موجودات، هدف متذکر گشتن مخاطبان مستقیم قرآن به قدرت و تدبیر الهی را دنبال می‌کند. هویداس است که تبادر چنین مفاهیم مجهولی به ذهن مخاطبان مستقیم قرآن - و در پی آن، متذکر شدن ایشان - متصور و قابل دفاع نیست. افزون بر این، هر اتم علاوه بر الکترون و پروتون، دارای نوترون نیز هست که از نظر بار الکتریکی خنثی است. (زارع، ۱۳۷۳: ۱۹) آیا می‌توان وجود نوترون را در هر اتم نادیده گرفت تا سیستم زوجیت بر آن صدق نماید؟

به عقیده رضایی اصفهانی (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲ / ۲۹۷) نیز با توجه به کشف شدن ذرات بنیادین دیگری به نام کوارک‌ها، تطبیق زوجیت عمومی اشیاء بر الکترون و پروتون نمی‌تواند قطعی تلقی گردد. محقق ما بدان منتهی شده است که «مصدق دقیق زوجین در آیه ۴۹ سوره ذاریات مشخص نیست.» (همان: ۲ / ۲۹۸) پاره‌ای دیگر از نویسندگان نیز «زوجین» را بر کشفیات جدیدی چون بر ماده و پاد ماده تطبیق داده‌اند. (فهیم، ۱۳۸۰: ۱ / ۷۱ - ۷۰) با این همه به نظر می‌رسد که تحقق هدف متذکر شدن مخاطبان مستقیم قرآن، شناسا بودن مراد از زوجین را می‌طلبد، به دیگر بیان اگر هدف متکلم، متذکر نمودن مخاطبان بوده است، پس اشاره او هم صرفاً به موجوداتی است که مخاطبان وی آنها را می‌شناسند.

بر این اساس، نه تطبیق «زوجین» بر پاره‌ای از کشفیات جدید استوار جلوه می‌کند و نه حواله دادن آن به دنیای مجهولات و به انتظار پیشرفت علم در این باب نشستن.

از دیگر سو، پاره‌ای از تفسیر نویسان، ضمن معنا کردن «زوجین» در آیه ۴۹ ذاریات به دو نوع و دو صنف، آن را بر هر دو چیز متقابل و قرین صادق دانسته‌اند، مثلاً ابوالفتح رازی (رازی، ۱۳۶۶: ۱۸ / ۱۱۴)

بیان می‌دارد که «مراد، دو نوع و دو صنف‌اند: چون آسمان و زمین، بر و بحر، سهل و جبل، تابستان و زمستان، خریف و بهار، شب و روز، و جنّ و انس و نر و ماده» به‌گفته قرطبی (قرطبی، ۱۴۳۰: ۹ / ۳۵) مجاهد گفته است که مراد آیه، مذکر و مونث، آسمان و زمین، خورشید و ماه، شب و روز، روشنایی و تاریکی، دشت و کوه، جن و انسان، خوبی و بدی، صبح و شام و نیز طعم‌ها و بوها و صداهاى مختلف است.

به‌همین‌سان ابن‌جوزی (ابن‌جوزی، ۱۴۳۱: ۴ / ۳ - ۱۷۲) در توضیح دو صنف و دو نوع، مواردی چون مذکر و مونث، خشکی و دریا، شب و روز، شیرین و شور، نور و تاریکی را بر می‌شمارد. مراغی (مراغی، ۱۴۱۸: ۹ / ۲۹۷ - ۲۹۶) نیز مواردی چون سعادت و شقاوت، هدایت و گمراهی، شب و روز، آسمان و زمین، سیاهی و سپیدی را ذکر می‌کند اما توضیح نمی‌دهد که این امر در باره هر «شیء» به چه‌سان صدق می‌کند؛ یعنی در مورد اشیائی که چنین تقابلهایی در آنها به چشم نمی‌خورد چه باید گفت؟

از دیگر سو، در آموزه‌های دین یهود نیز، زوج‌انگاری همه اشیاء را بدین تقریر می‌توان ملاحظه نمود، مثلاً در کتاب گنجینه‌ای از تلمود آمده است:

ذات قدوس متبارک به اسرائیل فرمود: فرزندانم! هرآن چه من در زمین آفریدم زوجی دارد: آسمان و زمین، خورشید و ماه، آدم و حوا، و این جهان و جهان آینده همگی با هم زوج هستند ولی من خود در عالم یکتا هستم. (کهن، ۱۳۹۰: ۳۰)

افزون بر این، سیاق آیه ۴۹ ذاریات و ملاحظه دو آیه پیشین آن که آسمان و زمین را به شکل دو قرین جلوه‌گر می‌سازد، می‌تواند برداشت یادشده را تقویت نماید.<sup>۱</sup> با این همه هویداست که این دو به دو شمردن‌ها - به شیوه ابوالفتوح و ابن‌جوزی و ... - نمی‌تواند در مورد همه چیزها ادامه یابد. به‌علاوه، برخی موارد ذکر شده چون روشنایی و تاریکی و شیرینی و شوری صرفاً اوصافی هستند که بر اشیاء عارض می‌شوند نه آن که خود «شیء» شمرده شوند. آلوسی (آلوسی، ۱۴۲۰: ۲۷ / ۲۷) از ابن‌زید و دیگران نقل می‌کند که مراد از «کلّ شیء» راه، «کلّ جنس من الحيوان» (هر نوع از حیوان) دانسته‌اند که طبعاً مذکر و مؤنثی دارد. به باور این قلم نیز اشاره داشتن اکثر کاربردهای قرآنی واژه زوج به مذکر و مونث بودن، اختیار چنین معنایی را در مورد «زوجین» آیه ۴۹ ذاریات، راجح جلوه می‌دهد. به‌علاوه نر و ماده، دو قرین قطعی و متمایز از یکدیگرند بر خلاف اوصافی چون روشنایی و تاریکی و شیرینی و شوری که در آنها چنین تمایز قاطعی دیده نمی‌شود، بدین‌سان برداشت زوجیت (نر و ماده داشتن) همه موجودات از آیه ۴۹ ذاریات، روا جلوه می‌کند.

۱. والسماء بنیناها بأید وانا لموسعون والارض فرشناها فنعم الماهدون ومن کلّ شیء خلقنا زوجین لعلکم تذكرون.

از دیگر سو، همان گونه که در زبان فارسی برای تاکید بر کثرت یک شیء از واژه «هر» استفاده می‌شود، در زبان عربی نیز واژه «کُلٌّ» می‌تواند چنین نقشی را ایفاء می‌نماید. ابن‌عاشور (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۶ / ۳۶) درباره آیه «وَلَيْئِن آتَيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ» (بقره / ۱۴۵)؛ و اگر برای اهل کتاب هر آیه‌ای را هم بیاوری، باز هم از قبله تو پیروی نخواهند کرد» بیان می‌دارد که چون شمار آیات الهی با عدد قابل احاطه نیست، پس مراد از «کُلِّ آیه» صرفاً آیات فراوان است. همچنین به باور مفسر ما، استعمال «کُلٌّ» برای دلالت بر کثرت، هر چند در اصل جنبه مجاز داشته است (چون بدین‌سان تعداد فراوان از افراد یک شیء، تمام افراد آن شیء فرض می‌گردند) اما بعداً کثرت کاربرد این مجاز، بدان صورتی مساوی با حقیقت بخشیده تا بدانجا که این معنا یکی از معانی «کُلٌّ» گشته است. (همان: ۶ / ۳۵)

به‌نظر می‌رسد که ملاحظه شواهد قرآنی کاربرد واژه «کُلٌّ» برای اشاره به کثرت، می‌تواند در این مقام رهگشا و مفید تلقی گردد. پاره‌ای از این شواهد عبارتند از:

أَيُّدٌ أَحَدِكُمْ أَنْ تَكُونَ لَهُ جَنَّةٌ مِنْ نَخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ... (بقره / ۲۶۶) آیا از شما کسی دوست دارد که باغی از خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها، نهرها جاری باشد و در آن باغ برای او از همه میوه‌ها موجود باشد.

آیه فوق، در مقام تمثیل، باغی از خرما و انگور را ترسیم می‌نماید و سپس وصف باغ مفروض را فراتر برده و در آن، هر نوع میوه‌ای را برای صاحبش فراهم گشته و موجود می‌داند، اما موجود بودن همه میوه‌های عالم در یک باغ دنیوی، امری چندان معقول و متعارف نیست، البته ممکن است گفته شود بنای این آیه بر فرض و تمثیل است و هر چند موجود بودن همه میوه‌ها عرفاً امکان‌پذیر نیست، اما فرض موجود بودن همه آنها، امکان‌پذیر و معقول است. با این وجود راجح آن است که مراد از تعبیر «له فیها من کُلِّ الثمرات» صرفاً وجود میوه‌هایی بسیار متعدد، فراوان و گسترده است، به‌گونه‌ای که گویی تمام میوه‌های عالم در آن باغ فراهم آمده است.

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ ... (انعام / ۴۴)

پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درب‌های هر چیزی را بر ایشان گشودیم ...

مراد از گشوده شدن درب‌های همه چیز، فراهم آمدن انواع و اقسام نعمت‌ها است، به دیگر سخن، غرق نعمت‌ها و خوش‌های بسیار شدن، از این‌رو «کُلِّ شَيْءٍ» در این موضع؛ یعنی چیزهای بسیار فراوان، گسترده و متنوع.

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً... (اعراف / ۱۴۵)

و در آن الواح، برای او از هر چیز پندی نوشتیم.

به نظر می‌رسد که بیان موعظه درباره هر چیز قابل تصور، امری است که نهایت و تمامی ندارد، از این رو مراد آیه فوق آن نیست که درباره هر چیز قابل تصور، موعظه‌ای در الواح موسی عليه السلام موجود بوده است، بلکه تعبیر «مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» صرفاً دلالت بر کثرت و گستردگی مواعظ مزبور دارد.

وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ. (توبه / ۵)

در هر کمین‌گاهی به کمین آنان بنشینید.

در هر کمین‌گاهی نشستن؛ یعنی در کمین‌گاه‌های بسیار نشستن به گونه‌ای که گویی هر جای قابل کمینی، کمین‌گاهی فعلیت یافته گشته است.

... وَاتَّبِعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ. (هود / ۵۹)

(قوم عاد) از فرمان هر مستبد ستیزه جویی تبعیت نمودند.

مراد از «كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ» افراد بسیاری بدین صفت است نه آنکه هیچ فرد مستبد و ستیزه‌جویی وجود نداشته باشد، مگر آنکه قوم عاد از او اطاعت کرده باشند.

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ... (بقره / ۱۱۲)

و خدا مثال زد شهری را که امن و امان بود و روزیش از هر سو فراوان می‌رسید.

آمدن رزق و روزی اهل یک شهر از هر مکان؛ یعنی آمدن آن از جاهای فراوان نه آنکه نتوان جایی را برشمرد که روزی آن شهر از آنجا نیاید.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ... (إسراء / ۸۹، كهف / ۵۴)

و برای مردم در این قرآن از هر مثلی سخن گفتیم...

سخن گفتن از هر مثلی در قرآن به معنای بیان شدن مثل‌های فراوان و متنوع است نه آنکه نتوان مثلی را یافت که در قرآن نباشد.

وَأَوْتَيْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ. (نمل / ۱۶)

از هر چیز به ما داده شده است.

عطایافتن از هر چیز؛ یعنی عطایافتن از چیزهای بسیار متنوع و فراوان.

به نظر می‌رسد که شواهد قرآنی فوق به مخاطب قرآن امکان دهد که تعبیر «كُلِّ شَيْءٍ» در آیه «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ» را هم صرفاً به معنای وجود زوجیت در پهنه گسترده‌ای از موجودات بداند، بر این مبنا دیگر این اشکال وارد نخواهد بود که واژه «شیء» بر موجودات غیر زنده هم صادق است و آنها نر و ماده ندارند. در واقع، مخاطبان قرآن، در عصر نزول شاهد آن بودند که انسان‌ها مذکر و مونث دارند، بسیاری از حیوانات نیز که برای آنها شناخته شده، مشهود و مورد استفاده بودند، نر و ماده داشتند. در باب درختانی چون درخت خرما هم ملاحظه می‌کردند که برخی درختان، خرما می‌دهند (درختان ماده) و برخی صرفاً برای خرما دادن درختان ماده وجودشان ضروری است (درختان نر)، پس برای مخاطبان قرآن، زوجیت و نر و ماده داشتن در پهنه‌ای گسترده - از انسان و حیوان و گیاه - قابل رویت بوده است، بدین سان قرآن بدانچه که مخاطبانش می‌شناختند و بدان اذعان داشتند، احتجاج و استناد می‌نماید، باشد که ایشان به قدرت، تدبیر و یکتایی خدا متذکر گردند. هویداست که بر وفق دانش زیست‌شناسی نیز قانون کلی حیات، وجود دو جنس نر و ماده و تولید مثل آنها به شیوه جنسی است.

### نتیجه

۱. آیات «زوجیت» در قرآن، از فراوانی در خوری برخوردار است و اجمالاً گونه‌ای تأکید بر عمومیت داشتن زوجیت از آنها مستفاد می‌گردد.
۲. آیه ۳ رعد «... وَجَعَلْ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلْ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ» بر فرض عدم عطف «مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» به «النَّهَارَ»، از زوجیت همه میوه‌ها خبر داده است اما بر فرض عطف «مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» به ماقبل، مراد آیه از «زَوْجَيْنِ»، شب و روز است.
۳. از منظر علم تجربی، نظام زوجیت در درختان میوه نهفته است و خود میوه‌ها به نر یا ماده بودن توصیف نمی‌گردند. این نکته، قرینه‌ای برای رجحان دیدگاه نامشهور در ساختار نحوی آیه ۳ رعد، فراهم می‌آورد.
۴. در آیه ۴۹ ذاریات «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»، واژه «كُلِّ» را می‌توان تأکید کننده بر کثرت دانست. بدین سان، با تفسیر «زَوْجَيْنِ» به دو قرین نر و ماده، تعبیر «كُلِّ شَيْءٍ» بر وفق نگاهی عرفی، به پهنه‌ای گسترده از موجودات زنده نظر دارد بی‌آنکه موجودات غیر زنده را در بر گیرد.

### منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- آلوسی، سید محمود، ۲۱ - ۱۴۲۰ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت،

دار إحياء التراث العربی.

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، ۱۴۳۱ ق، زاد المسیر، بیروت، دار الفکر.
- ابن درید، محمد بن حسن، ۱۴۲۶ ق، جمهره اللغه، ترتیب و تصحیح عادل عبدالرحمن البدری، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه.
- ابن عاشور، محمداطاهر، ۱۴۲۰ ق، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، بی تا، لسان العرب، بیروت، دار الصادر.
- اهدلی، احمد میقری بن احمد، ۱۴۲۷ ق، البرهان فی اعراب آیات القرآن، بیروت، مکتبه العصریه.
- بیضون، لیب، ۱۴۲۴ ق، الاعجاز العلمی فی القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- پارسا، احمد، ۱۳۳۱، اندام شناسی گیاهان، تهران، دانشگاه تهران.
- جزایری، سید نعمت الله، ۱۳۸۸، عقود المرجان فی تفسیر القرآن، قم، نور وحی.
- حسینی زاده، عبدالمجید، ۱۳۸۶، قانون زوجیت عام در قرآن، تهران، جهاد دانشگاهی.
- خوبی، سید ابوالقاسم، ۱۴۱۸ ق، البیان فی تفسیر القرآن، قم، دار الثقلین.
- رازی، ابوالفتح حسین بن علی، ۱۳۶۶، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، بی تا، التفسیر الکبیر، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۶ ق، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار المعرفه.
- رشیدرضا، محمد، ۱۴۲۶ ق، تفسیر القرآن الحکیم المشهور بتفسیر المنار، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۸۰، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت، کتاب مبین.
- ریون، پیتر. ایچ و جانسون، جورج. بی، ۱۳۸۳، زیست‌شناسی، ترجمه هیئت مترجمان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- زارع، حسن، ۱۳۷۳، زیست‌شناسی عمومی، تهران، سمت.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۲۹ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التاویل، بیروت، دار الکتب العربی.
- سارتون، جورج، ۱۳۴۶، تاریخ علم، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر.
- سید قطب، ۱۳۹۱ ق، فی ظلال القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

- شبر، سید عبدالله، ۱۴۲۵ ق، تفسیر القرآن الکریم، قم، دار الهجره.
- شوکانی، محمد بن علی، ۱۴۳۰ ق، فتح القدير، بیروت، دار الکتب العربی.
- صابونی، محمدعلی، ۱۴۲۰ ق، قبس من نور القرآن الکریم، بیروت، مؤسسه الريان.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۹۲ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۸، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم، نور وحی.
- طبری، محمد بن جریر، بی تا، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۳۱ ق، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، الامیره للطباعه والنشر.
- فهیم، شهاب، ۱۳۸۰، اثبات آسمانی بودن قرآن مجید، تهران، موحدین.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، ۱۴۱۹ ق، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- قاسمی، محمد جمال‌الدین، ۱۴۳۱ ق، تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۳۰ ق، الجامع لاحکام القرآن، بیروت، مکتبه العصریه.
- کهن، ابراهام، ۱۳۹۰، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، تهران، اساطیر.
- مراغی، احمد مصطفی، ۱۴۱۸ ق، تفسیر المراغی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- معرفت، محمدهادی، ۱۴۲۷ ق، شبهات و ردود حول القرآن الکریم، قم، مؤسسه التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۸۲، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- ملکیان، مصطفی، ۱۳۷۳، «بررسی گونه‌های تعارض بین علم و دین»، فصلنامه مصباح، تابستان ۱۳۷۳، ش ۱۰، ص ۸۴-۶۳.
- منصورى، مصطفى الخیرى، بی تا، المقتطف من عیون التفاسیر، قاهره، دار السلام.
- نسفی، نجم‌الدین عمر بن محمد، ۱۳۹۰، تفسیر نسفی، تصحیح عزیزالله جوینی، تهران، سروش.